



مردم روزه‌دار در زمان سحر کسانی هستند که طبیعتاً مخاطب برنامه‌هایی مانند «ماه من» هستند. آدم‌هایی که پای تلویزیون نشسته‌اند تا همین دعاها و چنین مناجات‌هایی را بشنوند. پس مهم است شما چگونه با آن مخاطب صحبت کنید، درددل کنید و حرف‌هایی را با او در میان بگذارید

مناجات‌ها را بنویسم. چندان طول نکشید که مابر سر لحن، ادبیات و نوع نگارش در این مناجات‌ها به توافق رسیدیم. چون تقریباً می‌دانستم یوسف چه می‌خواهد و یوسف هم می‌دانست از دست من چه میزان کار برمی‌آید. یوسف منصوری ابتدا به من دعاهایی را معرفی کرد که در فرهنگ اسلامی و شیعه رواج دارد و مد نظرش بود چنین رویکردی در مناجات‌ها وجود داشته باشد.

در نهایت نیز نتیجه این بررسی به جایی رسید که در هر مناجات فرازی از یک دعا به صورت مضمون سرمشق آن مناجات قرار گرفت. سپس مناجات‌ها با ادبیات و نوع نگاه خودمان بر مبنای آن مضمون پیاده شد. به عنوان مثال در فرازی بنده خدا قرار است از بندگان دیگر در پیشگاه خداوند حلالیت بطلبد یا بنده خدا به یاد مرگ بیفتد و... برای هر مناجات دعایی سرمشق قرار می‌گرفت و بر مبنای آن نوشته می‌شد که هر کدام از آنها ۲۵۰ نهایت ۳۰۰ کلمه می‌شدند.

در نگارش این مناجات‌ها بهروز شعبی و یوسف منصوری تا چه میزان نقش داشتند؟

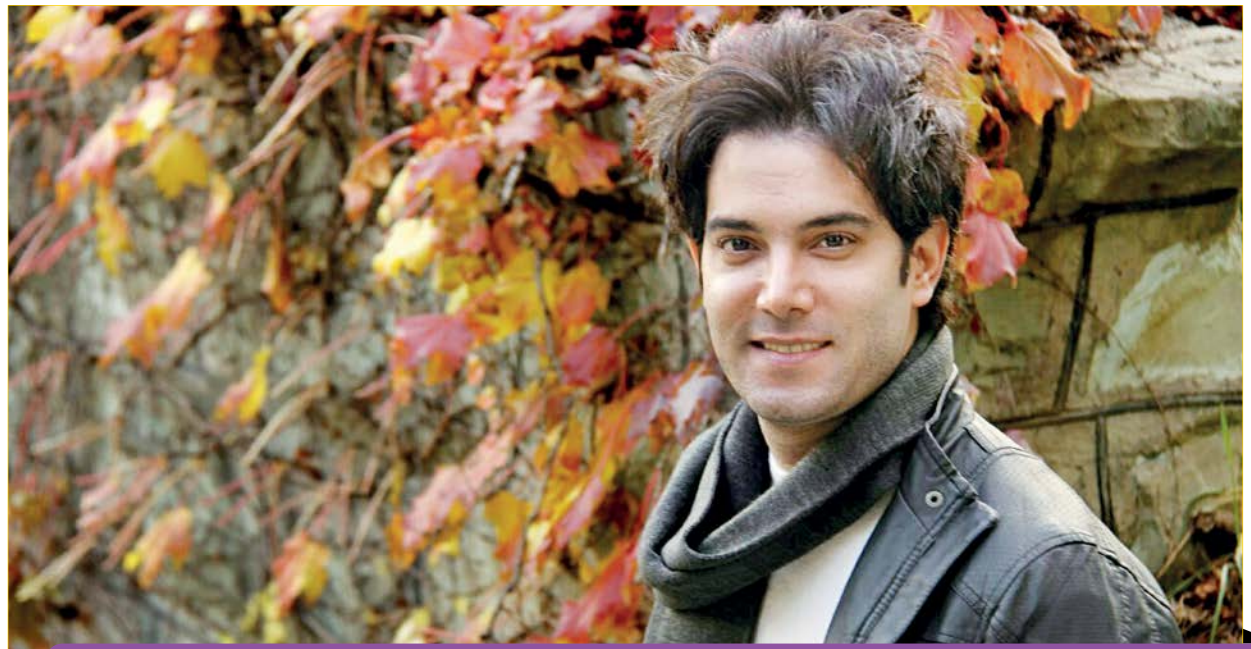
متن مناجات‌ها همان‌هایی هستند که خودم نوشته‌ام؛ اما اگر لازم بود آقای منصوری نکاتش را می‌گفت و اصلاح می‌کردم. به عنوان مثال ممکن بود لازم باشد بخشی از یک نوشته از حالت ثقیل به حالت عامیانه دربیاید و آقای منصوری این را به من اطلاع می‌داد. در زمینه نگارش این مناجات‌ها با بهروز شعبی نیز در ارتباط بودم و این که لحن برای هر مناجات به چه صورت باشد به گفت‌وگو می‌نشستیم.

برای نوشتن هر کدام از این مناجات‌ها چقدر زمان می‌گذاشتید؟

صحبت کردن با خداوند برای هیچ‌کدام از ما موضوع دور از ذهنی نیست. همه ما در خلوت مان با خدا صحبت کرده‌ایم. در این زمان هم کافی بود تا من این صحبت‌های خودمانی در خلوت را سر و شکل ادبی‌تری دهم. با توجه به دعاهایی که آقای منصوری به آنها اشاره داشت از نظر مضمونی دچار مشکل نبودیم و دست‌مان تنگ نبود. ولی نکته‌ای که وجود داشت پیوسته بودن آن بود که ممکن بود باعث شود متن‌ها یک مقدار شبیه هم شوند. به همین خاطر من از یوسف می‌خواستم به من اجازه دهد روزی یک متن به آنها بدهم تا بتوانم از متنی که نوشته‌ام چند ساعتی و نزدیک به یک شبانه‌روز فاصله بگیرم. این کار به من کمک می‌کرد تا به تکرار نیفتم. وقتی تعداد متن‌ها به حدی می‌رسید که می‌شد در یک وعده استودیو آن را ضبط کرد آنها انجام می‌شد و دوباره شروع به نوشتن می‌کردم. چون نمی‌خواستم متن‌ها شبیه هم شوند.

خودتان به عنوان نویسنده از خروجی کار راضی هستید و آن را دوست دارید؟

من بعد از پخش برنامه از تلویزیون با آن مواجه نشدم. پیش از این دوستان به من لطف داشتند و گاهی اوقات خروجی تقریباً نهایی‌شده را به من نشان می‌دادند و من راضی بودم. البته این را هم بگویم اول مهم این است در این سبک نگارش خدا راضی باشد و بعد بنده‌هایش. بنابراین رضایت خودم در مرحله آخر است. تنها نکته‌ای که من را دلخوش می‌کند این است که توانستم در یک برنامه تلویزیونی حرف‌های دلم را که کمتر جایی زده بودم به گوش مردم برسانم.



«گفت‌وگو با امیرعلی نبویان در مورد تجربه جدید و خاصش در نوشتن مناجات‌های سحرگاهی برنامه «ماه من»

کار دلی بود و به دل‌ها نشست

نگارش مناجات توسط امیرعلی نبویان و قرائت آن به وسیله بهروز شعبی بخشی از برنامه سحرگاهی «ماه من» است که در روزهای ماه مبارک رمضان از شبکه سه سیما پخش می‌شود. مناجات‌های متفاوتی که باعث شده با واکنش‌های مثبتی از سوی مخاطبان مواجه شود و به دل بسیاری از کسانی که سحر را بیدار شده و منتظر اذان صبح هستند بنشیند. به همین دلیل هم سرانجام امیرعلی نبویان خالق این مناجات‌ها رقتیم تا از او درباره چگونگی نگارش آنها بپرسیم و این که آیا تاکنون تجربه نوشتن چنین متن‌هایی را داشته و حالا به دلیل استقبالی که شده باز هم سراغ این سبک نویسندگی خواهد رفت؟ این گفت‌وگوی دوستانه را بخوانید.

آزاده باقری
روزنامه‌نگار

اسم شما پای مناجات‌های سحرگاهی برای خیلی‌ها تازگی داشت و تعجب کردند. قبلاً سابقه مناجات‌نویسی داشتید؟ این مناجات‌ها چطور شکل گرفتند؟

تا قبل از این برنامه مناجات ننوشته بودم. اما این موضوع را همه می‌دانیم که هرکسی وقتی می‌خواهد نامه‌ای بنویسد و فردی را مخاطب قرار دهد واژگان خود را بر اساس مقام و مرتبه آن فرد انتخاب می‌کند. دایره واژگان زمانی که به پدر و مادر نامه می‌نویسی با زمانی که به استاد دانشگاه می‌نویسی با زمانی که به یک دوست صمیمی می‌نویسی کاملاً متفاوت است. نمونه بارز آن همین پیامک‌هایی است که روزانه ارسال می‌شود. من هم به عنوان یک نویسنده ابتدا به این فکر کردم اگر قرار باشد با خدا صحبت کنم چه لحنی و واژگانی را به کار می‌گیرم. مهم‌ترین موضوع برای من در این خصوص بیش از ادبیات خود ادب بود و این موضوع فکر می‌کنم برای من گام نخست تلقی می‌شد. اما این که چرا تابه‌حال به این سبک ننوشته بودم این کم‌سعادت‌ی از من بوده؛ اما اگر حقیقتش را بخواهید این مناجات‌ها از بسیاری کارهای منتشر نشده‌ام که به سمع و نظر مخاطب نرسیده دور نبود. برای همین نمی‌توانم بگویم مناجات‌های «ماه من» بی‌تمرین و بلامقدمه انجام گرفته. تابه‌حال تجربه چنین متن‌هایی را داشته‌ام؛ اما تاکنون منتشر نشده بود.

دوست دارید در برنامه‌ای دیگر آن را تجربه کنید؟

مطمئناً! اگر خوب از آب درآمده باشد و اگر خدا و خلق خدا راضی باشد؛ چرا که نه. من از آنجا که در فضای مجازی صفحه‌ای ندارم و علاقه‌ای به دنبال کردن

منتشر شدن تجربه کنید؟

من دوستانی دارم که با آنها همکاری‌هایی هم داشته‌ام. یوسف منصوری که در این کار تهیه‌کننده است نیز از جمله این دوستان است. این دوستی مقدمه اعتماد او به من شد. برای همین پیشنهاد داد که می‌خواهد یک مجموعه مناجات برای برنامه «ماه من» داشته باشد و از من خواست آن

آنها هم ندارم از واکنش‌های مثبت و منفی نیز مطلع نشده‌ام. اما اگر شما می‌گویید مخاطب‌ها دوست داشته‌اند و توانسته‌اند با آنها ارتباط برقرار کنند باز هم دوست دارم این سبک نگارش را تجربه کنم.

شما می‌گویید این سبک نگارشی که داشته‌اید تنها در دنوخته‌هایتان بوده؛ چه شد تصمیم گرفتید در یک برنامه سحرگاهی این سبک نگارش را برای

مناجات‌های قلبی

از امیرعلی نبویان در مورد جایگاه این مناجات‌ها در مسیر شغلی‌اش پرسیدیم و او در کنار پاسخ به این سوال از ظرافت این متن‌ها و اهمیت ارتباط با مخاطب حرف زد: «من به عنوان نویسنده دوست دارم انواع و اقسام کارها را تجربه کنم. اگر کاری از دستم بربیاید و بتوانم آن را انجام دهم چرا که نه؟ ولی تغییر را تنها منحصر به این جریان قرار نمی‌دهم. الان مشغول به نگارش قصه‌ای هستم که هیچ ربطی به این فضاها ندارد. آن هم یک مدل تجربه کاری است که شباهتی به این کار ندارد. مساله این است که هرکدام باید با توجه به مخاطبش تولید شود و ظرافت خاص خودش را داشته باشد. در این کار طبیعتاً مردم روزه‌دار در زمان سحر وقتی تلویزیون روشن می‌کنند و گوش به صدای اذان دارند کسانی هستند که مخاطب چنین فضاهایی هستند. آدم‌هایی هستند که پای تلویزیون نشسته‌اند تا همین دعاها و چنین مناجات‌هایی را بشنوند. پس مهم است شما چگونه با آن مخاطب صحبت کنید، درددل کنید و حرف‌هایی را با او در میان بگذارید. در کل می‌توانم بگویم کار کوچکی انجام دادم. فقط فرق آن با باقی کارهای کوچکم در این است که قلبی بود و چون اولین تجربه من در این نوع نگارش بوده برابرم ارزشمند است.»

